



علی مقداری

تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۴/۹/۲۴

مصاحبه کننده: محمد میرزایی

دانشکده: مهندسی مکانیک

سال ورود: ۱۳۶۶



• لطفا یک بیوگرافی از خودتان بفرمایید.

متولد ۱۴ فروردین ۱۳۳۹ در خانواده‌ای متدین و معمولی هستم. محل تولدم نازی‌آباد تهران است و پدرم شغل آزاد داشت. دوره ابتدایی و راهنمایی در نازی‌آباد تهران و دوره دبیرستان را در شهر کرج گذراندم. سال ۱۳۵۶ از دبیرستان فارغ‌التحصیل شدم. همزمان با اعتصابات دانشجویی و ادارات کشوری و نیز عدم قبولی در رشته و دانشگاه مورد علاقه‌ام، به توصیه یکی از اقوامم، تصمیم به ادامه تحصیل در خارج از کشور گرفتم. در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۵۷ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با اخذ پذیرش از کالج به شهر شیکاگو در آمریکا رفتم. بعد از حدود یک سال اقامت و کار و تحصیل در شیکاگو به ایالت میسوری رفتم و مدرک کارشناسی‌ام را در رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه میسوری در سال ۱۹۸۲ (حدود ۱۳۶۱) گرفتم و برای فوق‌لیسانس برگشتم به ایالت ایلینوی و کارشناسی ارشد را اواخر سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) در آن ایالت در دانشگاه شمالی ایلینوی تمام کردم. برای دوره دکتری به ایالت نیومکزیکو رفتم و با اخذ بورس تحصیلی در رشته مکانیک از دانشگاه نیومکزیکو در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) فارغ‌التحصیل شدم. سپس نزدیک یک سال در آزمایشگاه ملی لاس‌آلاموس در بخش رباتیک و اتوماسیون به‌عنوان پژوهشگر پسادکتری کار کردم. عمده شهرت این آزمایشگاه ملی در زمینه مهندسی و انرژی هسته‌ای است و کار من مشارکت در طراحی سیستم‌های رباتیک برای جابجایی مواد سمی و رادیواکتیو در محفظه‌های سربی بود. اول دی‌ماه سال ۱۳۶۶ به ایران بازگشتم و از همان ابتدا در دانشگاه صنعتی شریف به‌عنوان استادیار شروع به کار کردم. از ترم دوم سال تحصیلی ۶۶-۶۷، تدریس را در دانشگاه شروع کردم. یکی-دو ماه بعد از آن جنگ عراق و ایران وارد مرحله متفاوتی شد. با حملات شدید موشکی، دانشگاه به‌صورت نیمه‌تعطیل درآمد و فقط کلاس‌های دروس نظری آن‌هم در هتل استقلال برگزار می‌شد.

حدود ۲۸ سال است در دانشگاه صنعتی شریف هستم. در این مدت، علاوه بر تدریس و پژوهش و استاد راهنمایی نزدیک به یکصد دانشجوی کارشناسی ارشد، دکتری و پسادکتری، مسئولیت‌های اجرایی گوناگونی را نیز عهده‌دار بوده‌ام. کارهای اجرایی من از دانشکده مکانیک از سال ۱۳۶۷ به بعد آغاز شد و به ترتیب عناوین عبارت است: مسئول کارآموزی، مسئول کتابخانه، مسئول سایت کامپیوتر، مدیر گروه مهندسی پزشکی



• چطور شد تصمیم گرفتید برگردید ایران و دانشگاه شریف را انتخاب کردید؟

پیش از رفتنم به آمریکا انتخاب اولم ورود به دانشگاه صنعتی بود. از همان موقع که رفتم همیشه دوست داشتم برگردم. در هیچ جای ذهن و خاطره‌ام، قصد ماندن دائمی در آمریکا نبود. گرچه با کار سخت هزینه‌های تحصیلم را مهیا کردم. در هیچ زمان بورسیه یا ارز بگير دولت نبود. خیلی دوست داشتم بروم و جاهای مختلف دنیا را ببینم و روی پای خودم بایستم. همیشه می‌خواستم پس از پایان تحصیلات به سرزمینم برگردم و در کنار خانواده‌ام و هموطنانم باشم. همان موقع که برمی‌گشتم خیلی از دوستانم سفارش به برگشتن نمی‌کردند؛ اصلاً زمان جالبی هم برای بازگشت نبود. هم از لحاظ امنیت اقتصادی و هم امنیت جانی و غیره، بالاخره موقعیت جنگی بود و هر روز هم بدتر می‌شد. کار خیلی خوبی هم در آمریکا داشتم که عملاً استعفا دادم و آمدم. مکاتباتش در دانشگاه موجود است. یادم هست آن موقع آقای دکتر محمود صالحی - اخوی آقای دکتر علی‌اکبر صالحی (رئیس فعلی سازمان انرژی اتمی ایران) - رئیس دانشکده مکانیک و آقای دکتر انواری هم رئیس دانشگاه بودند. مکاتبه که می‌کردم ابراز علاقه کردم که بیایم ایران و تنها در شریف کار کنم. با این که همسرم آمریکایی و فرزند دوم را هفت‌ماهه باردار بود. فرزند اولم متولد آمریکا بود. با عشق به ایران آمدم و بلافاصله در دانشگاه شریف مشغول به کار شدم.

• از این که آمده‌اند ایران، راضی هستند؟

بله، حالا دیگر نزدیک به ۲۸ سال است در ایران زندگی می‌کند. البته سالی یکی-دو بار برای دیدن اقوام به آمریکا می‌روند و بقول خودش بیشتر عمرش را در ایران زندگی کرده است تا آمریکا. در ضمن تنها فارغ‌التحصیل آمریکایی‌الاصول دانشگاه صنعتی شریف است. شناسنامه، کارت ملی، و پاسپورت ایرانی دارد و در انتخابات شرکت می‌کند. پس با این حساب مثل همه ما او نیز یک ایرانی است.

وقتی آدم جایی را نرفته و ندیده فکر می‌کند و احساس می‌کند که خبری هست ولی وقتی جاهای مختلف دنیا را می‌بیند عطشش می‌ریزد و می‌فهمد که هیچ‌کجا خانه خود آدم نمی‌شود. مثل رفتن به یک مهمانی است و ممکن است پذیرایی خیلی خوبی هم از شما بشود ولی بالاخره شما در خانه خودتان راحت‌تر هستید. مثلاً شما وقتی اروپا می‌روید، آمریکا می‌روید به شما بد نمی‌گذرد، همه چیز منظم و مرتب است، اما آدم همیشه



احساس مهمان بودن می‌کند و حتی اگر وضعیت اقامتش هم دائم باشد، باز هم احساس مهمان بودن می‌کند. کسی که فرهنگ و ریشه‌اش در این آب و خاک و جامعه باشد، خیلی سخت می‌تواند خودش را به‌طور کامل با فرهنگ بیگانه تطبیق بدهد. به‌علاوه، روابط خانوادگی و عواطف بین اعضای خانواده بسیار نزدیک بود و ما هم دوست داشتیم نزد آن‌ها باشیم و این را بدون اغراق می‌گوییم که یک لحظه هم پشیمان یا ناراحت نیستیم که چرا آمده‌ام. سختی‌های زیادی هم داشته‌ام، بالاخره برای هر کسی در زندگی سختی‌هایی پیش می‌آید ولی واقعاً از ته دل خوشحالم که برگشتم و این‌جا در کنار هموطنانم بودم، هستم، و با عشق در هر موقعیت و جایگاهی به آنان خدمت می‌کنم.

• فکر می‌کنید چه عاملی باعث شده؛ این دانشگاه، هم ماندگار باشد و هم در زمینه علمی، پیشتاز باشد؟

سوابقم به زمان تأسیس این دانشگاه نمی‌خورد ولی با توجه به آنچه درباره سال اول تأسیس دانشگاه به‌طور جسته و گریخته گیر آورده و خوانده‌ام تا دانشگاه را بیشتر بشناسم، به‌علاوه آنچه در این ۲۸ سال تجربه کرده‌ام، معتقدم گذشتگان زحمت زیادی برای شکل‌گیری این دانشگاه کشیده‌اند. کسانی مثل دکتر مجتهدی‌ها در تأسیس این دانشگاه نقش اساسی داشته و بنیانش را درست گذاشتند و کسانی که پس از انقلاب اسلامی در دوران سخت و دشوار، دانشگاه را بسیار خوب مدیریت و حفظ و از کیان آن دفاع کردند. نظیر؛ دکتر صالحی، دکتر انواری و دکتر سهراب‌پور که شایان توجه و شایسته تقدیرند. پیش از انقلاب، چون همه به این نیاز پی برده‌بودند برای ساختنش کمک می‌کردند. پذیرش دانشجویان ممتاز کشور، استخدام استادان قوی، کارکشته و زبده از ابتدا، مشارکت مردم و ارگان‌های مختلف در ساخت شریف نقش مهمی داشت و آن روحیه‌ها، هنوز هم باقی‌ست. گرچه، دچار تلاطم‌هایی شده ولی آن فرهنگ شورایی و فرهنگ هم‌کاری که ابتدای تأسیس دانشگاه حاکم بوده، هنوز هم پابرجاست.

این دانشگاه طی سال‌ها، فارغ‌التحصیلان شاخصی داشته‌است. کسانی که برای ادامه‌تحصیل به خارج رفته یا برای کار در داخل یا خارج کشور مشغول شده‌اند، عملکرد درخشانان، نشان‌دهنده موفقیت دانشگاه بوده‌است. در حال حاضر اما، فکر می‌کنم دانشگاه صنعتی شریف از جامعه و صنعت، عقب افتاده‌است. اگر سری به دانشگاه‌های دیگر، نمایشگاه‌های



آموزش عالی و صنعتی بزیند متوجه منظورم می‌شوید. لازم است عزیزان هم‌کار به فکر چاره باشند. با توجه به سرعت پویایی جامعه، دیگر نمی‌توان برای مدت طولانی به اعتباری که گذشتگان برای دانشگاه آورده‌اند، دل بست. رقبای داخلی و بین‌المللی با تلاشی مضاعف پیش می‌روند. شریف نیز برای حفظ و ارتقای جایگاه داخلی و بین‌المللی خود نیازمند پویایی در حوزه‌های مختلف آموزش عالی است.